

جدول (۴)
جریان تجارت بین آسیا - اقیانوس آرام و منطقه «نافتا»

رشد	۱۹۸۷-۹۳ (درصد)	۱۹۹۲	(میلیون دلار)	۱۹۸۷	(میلیون دلار)	کانادا	ایالات متحده	آسیا	مکزیک	کانادا	ایالات متحده	آسیا	مکزیک
۷۲۲/۰	۵۴/۵	۴۸/۸	۱۴۸/۶	۲۵۸۱	۸۳۹۶	۱۱۹۲۱۷	۲۹۶۴۹۱	۳۱۴	۵۴۳۶	۸۰۱۲۷	۱۱۹۲۶۷	آسیا - اقیانوس آرام	مقصد
۱۷۸/۴	۵۰/۷	—	۸۷/۹	۴۰۵۹۸	۹۰۱۵۶	—	۱۳۲۰۵۲	۱۴۵۸۴	۵۹۸۱۴	—	۷۰۲۹۲	ایالات متحده	مقصد
۵۴/۰	—	۴۵/۴	۳۱/۷	۶۱۳	—	۱۰۳۸۶۰	۱۲۹۷۲	۳۹۸	—	۷۱۴۵۵	۹۸۴۶	کانادا	مقصد
—	۶۰۷/۴	۱۳۹/۴	۱۳/۷	—	۲۲۰۷	۳۲۶۲۴	۱۹۹۴	—	۳۱۲	۱۳۶۲۵	۱۷۵۳	مکزیک	مقصد

منبع: IMF, Direction of Trade Statistic, Year Book 1993

جدول (۵)
سهم ایالات متحده و کانادا از صادرات
اجزاء آسیا - اقیانوس آرام و مکزیك ۱۹۹۱-۱۹۷۵
(درصد)

۱۹۹۱	۱۹۸۵	۱۹۸۰	۱۹۷۵	
۱۸/۶	۱۸/۴	۱۰/۹	۱۰/۸	جنوب آسیا (۱)
۱۹/۴	۲۰/۶	۱۹/۲	۲۲/۵	آسیا - ۴ (۲)
۲۴/۴	۳۸/۲	۲۶/۵	۲۹/۱	ممالک تازه صنعتی شده (۳)
۹/۴	۹/۴	۶/۶	۳/۲	چین
۲۹/۱	۳۶/۱	۲۴/۱	۲۰/۴	آسیای توسعه یافته و اقیانوس آرام (۴)
۶۶/۴	۶۰/۸	۶۶/۰	۶۳/۱	مکزیک

منبع: UNCTAD, «Handbook of International Trade and Development Statistics», 1992

- (۱) جنوب آسیا شامل هندوستان، پاکستان، سریلانکا و بنگلادش.
- (۲) آسیا - ۴ شامل اندونزی، فیلیپین، تایلند و مالزی است.
- (۳) ممالک تازه صنعتی شده آسیا شامل هنگ کنگ، تایوان، کره جنوبی است.
- (۴) ممالک صنعتی آسیا - اقیانوس آرام شامل ژاپن، استرالیا و زلاندنو می باشد.

که «نافتا» رشد تولید ناخالص داخلی سالانه اندونزی را از ۶/۶ درصد به ۶/۳ درصد طی یک دوره هفت ساله کاهش می دهد. سایر ممالک درحال توسعه خارج از ASEAN کمتر صدمه خواهند دید. او نتیجه گیری می کند که انحراف سرمایه گذاریها تنها اندکی رشد دینامیک آسیای درحال توسعه را کند می کند ولی آن را متوقف نمی سازد. «هوفباثر» و «اسکات» (Hufbauer & Schott) پیش بینی کرده اند که حدود ۲/۳ میلیارد دلار سرمایه گذاری از ممالک درحال توسعه آسیا به مکزیك منحرف می شود که تقریباً ۱/۳ درصد کل سرمایه گذاری خارجی در منطقه است.

خود ممالک آسیا - اقیانوس آرام نیز با توجه به رشد اقتصادی سریع و محیط سرمایه گذاری مساعد همچنان جاذب سرمایه گذاریهای بین المللی خواهند بود.

اثر «نافتا» را به آسانی نمی توان اندازه گرفت، ولی حتی ممالک آمریکای لاتین که استراتژیهای برون نگر عمده ای اتخاذ کرده اند هم اکنون حتی بدون «نافتا» در جلب سرمایه های خارجی با آسیای جنوب شرقی و جنوبی در رقابت می باشند.

در مطالعه ای که «مک کلیری» (Mc Cleery) درباره تأثیر انحراف تجارت و سرمایه گذاری «نافتا» در اندونزی به عمل آورده است، پیش بینی می کند

آسیایی ندارد. چهار کشور تازه صنعتی آسیا متفقاً رشته های ماشین آلات الکتریکی وسائط حمل و نقل را انتخاب کرده اند. ممالک عضو «آسنن» سرمایه گذاری خود را بر مراحل اولیه تولید آهن و فولاد و فلزات و ماشین آلات غیر الکتریکی متمرکز کرده اند. ممالک جنوب آسیا سبب تولیدی و صادراتی متنوع تری دارند که از مواد شیمیایی شروع و به کاغذ و صنعت چاپ ختم می شود. سرمایه گذاریهای مکزیك بیشتر متوجه نفت، سوخت، پلاستیک و نساجی بوده است. بنابراین، جز درحالی که سرمایه گذاریهای خارجی ساختار صنعتی مکزیك را شدیداً تغییر دهد ترس رقابت مکزیك با صادرات ممالک آسیایی پایه چندان ندارد. بعلاوه، تغییر ساختار صنعتی زمان می برد و هزینه دارد که در وضع رقابتی کشور اثر می گذارد.

انتظار می رود که کمپانی های ژاپنی به سرمایه گذاری خود در تولید اتومبیل در مکزیك مخصوصاً برای مصرف بازار داخلی آن کشور ادامه دهند و ممالک تازه صنعتی آسیا نیز احتمالاً بعنوان جزئی از برنامه توسعه فعالیت خود، تسهیلات تولیدی کاربر خود را در مکزیك وسعت بخشند و محصولات آن را به ایالات متحده صادر نمایند. کمپانی های کره ای نیز که با فشار دستمزدها در کشور خود روبرو هستند، سعی می کنند وضع رقابتی خود را با سرمایه گذاری و تولید در مکزیك حفظ نمایند. افزون بر اینها، تعدادی از کمپانی های آمریکائی نیز که درحال حاضر در ممالک تازه صنعتی آسیا به فعالیت مشغولند احتمالاً از این به بعد بر سرمایه گذاریهای خود در مکزیك بعنوان پایگاه تولید برای صدور به ایالات متحده می افزایند.

با توجه به مطالب بالا، می توان گفت در درازمدت اگرچه ژاپن و ممالک تازه صنعتی آسیا به سرمایه گذاری خود در مکزیك ادامه خواهند داد ولی

۶- سیاست تجاری ایالات متحده و منطقه گرانی

شاید مهمتر از تأثیر «نافتا» بر تجارت و سرمایه‌گذاری‌ها، اثر آن بر سیاست و گرایش سیاست‌بازرگانی ایالات متحده در درازمدت باشد. آیا ایالات متحده به سوی منطقه‌گرانی یا به سوی تجارت آزاد جهانی پیش خواهد رفت؟ آیا «نافتا» توسعه می‌یابد؟ و اگر جواب مثبت است به کدام سمت؟ آیا کوشش ایالات متحده در جهت منطقه‌گرانی به زیان و در مقابل آزادسازی جهانی تجارت خواهد بود؟ آیا ممالک آسیایی در سیاست‌بازرگانی ایالات متحده گرفتار تبعیض خواهند بود؟ بدتر از همه، آیا ممالک آسیایی هدف نهایی منطقه‌گرانی ایالات متحده هستند؟ آیا ممالک آسیایی می‌توانند با ملحق شدن به ایالات متحده (در «نافتا» یا توسط قراردادهای دوجانبه) در یک طرح منطقه‌ای آزادسازی تجاری از اثرات منفی «نافتا» مصون مانند؟

این سناریو از آن‌رو مطرح شده است که ایجاد «نافتا» واقعا نقطه عطفی در تاریخ سیاست‌های بازرگانی ایالات متحده شده است و آن را در سطحی حتی بالاتر از آزادسازی جهانی تجارت قرار داده است و برای اولین بار منطقه‌گرانی را به سوی نیم کره غربی سوق داده است. طی دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده منطقه‌گرانی را درجانی که با منافع جغرافیایی - سیاسی آمریکا توافق داشت، حمایت و تحمل می‌کرد ولی خود از شرکت در طرح‌های منطقه‌ای پرهیز می‌نمود.

حمایت ایالات متحده از منطقه‌گرانی در اروپای غربی به این دلیل بود که از رقابت کشورهای عضو با یکدیگر و از سوء استفاده اتحاد جماهیر شوروی از این رقابت‌ها جلوگیری کند. ایالات متحده همچنین از منطقه‌گرانی ممالک درحال توسعه مانند ASEAN که به نظر می‌رسد همکاری‌های نزدیک اقتصادی آنها سبب ثبات بیشتر سیاسی شود، جانبداری کرده است. اما خود ایالات متحده مصممانه تا دهه ۱۹۸۰ و انعقاد قرارداد دوجانبه با اسرائیل از هر نوع گروه‌بندی اقتصادی دوری می‌جست. بعد از شروع حرکت ایالات متحده به سوی منطقه‌گرانی، تشکیل گروه پیشگامی منطقه کارائیب و منطقه تجارت آزاد کانادا و آمریکا به دنبال آن پیش آمد. اما با انعقاد «نافتا» مسئله کاملاً شکل تازه‌ای گرفت تا جایی که بعضی‌ها ادعا کرده‌اند ایالات متحده از جهانی‌انگاشتن آزادی تجارت دور شده است.

در حال، گرایش منطقه‌ای ایالات متحده به سوی آمریکای شمالی و آمریکای لاتین است زیرا نه تنها آزادسازی تجاری یک جانبه و خصوصی‌سازی در آمریکای لاتین در حال افزایش است، بلکه کوشش دوجانبه و چند جانبه آزادسازی

دادن سیاست‌هایی را ضروری ساخت که با هدف‌های دولت مکزیک منطبق بود اما در مورد ممالک آسیایی این امر محقق نیست. مثلاً آزادسازی بخش کشاورزی برای تعدادی از ممالک شمال شرقی آسیا مسئله بسیار حساسی است. در حالی که سنگاپور ممکن است به آسانی به «نافتا» بپیوندد، این تعهدات برای بقیه کشورهای هزینه سیاسی و دیپلماتیک زیادی دارد.

با توجه به این محدودیت‌ها، آزادسازی تجاری تحت لوای APEC امکان‌پذیر است و گروه کارشناسان (EPG) برنامه‌ای پیشنهاد کرده است که از سال ۲۰۰۰ طی دو دهه تدریجاً یک منطقه تجارت آزاد تشکیل شود و ممالک غیر صنعتی آسیا تدریجاً به آن ملحق گردند. اصطلاحی که به کار برده می‌شود منطقه‌گرانی باز (open regionalism) است. یعنی هر کشور به صورت یک جانبه اقتصاد خود را آزاد و باز و تعهد کند که سدها و محدودیت‌های سرراه دیگران را بردارد و در حالی که کشورها در چارچوب «نافتا» یا APEC تجارت خود را آزاد می‌کنند، مزایای تجارت آزاد را بر مبنای دوجانبه به ممالک غیر عضو نیز می‌دهند. در این صورت، یک عضو وقتی می‌تواند از کاهش تعرفه‌های مربوط به یک بخش استفاده کند که خود تعرفه‌های آن بخش را به سطح معینی تقلیل داده باشد و همه موانع غیر تعرفه را برداشته باشد. بعلاوه، قواعد مربوط به مبداء کالاها نیز ضروری است و باید رعایت شود.

در کنفرانس سران ممالک همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام (APEC) در ماه نوامبر ۱۹۹۴ به احتمال زیاد قطعنامه‌ای دایر بر قبول اصول آزادسازی تجارت مورد قبول قرار خواهد گرفت. ولی مذاکره و اعمال یک طرح تجارت آزاد «آپک» بسیار مشکل خواهد بود. زیرا بعضی از کشورهای ASEAN پیشنهادها را بالا راقبول ندارند و افزون بر این، ایالات متحده مایل است در مورد کشورهای مانند چین و ژاپن، نه تنها کاهش محدودیت‌های تجاری صورت متقابل داشته باشد، بلکه مزایای حاصل از آزادسازی نیز عاید همه ممالک گردد. به نظر آمریکایی‌ها موانع و سدهای موجود بر سر راه تجارت آمریکا با آسیا خیلی بیشتر از محدودیت‌های موجود در آمریکا است و قراردادهای تجاری ناظر بر جریان تجارت در باز کردن اقتصاد ممالک آسیایی مؤثر نبوده است و بنابراین غیر از خود تجارت، مسائلی مانند حمایت از اموال معنوی، سیاست دولت درباره رقابت، خدمات مالی، قوانین حفاظت از محیط زیست و طرز انجام خریدهای دولتی نیز که سیاست‌های داخلی مرتبط با تجارت است، باید مورد بررسی و توافق قرار گیرد.

تحولات آزادسازی تجارت در بقیه نیمکره غربی

در نیمکره غربی ۷۴ میلیون نفر با ۷ هزار میلیارد

تجاری در آمریکای لاتین و در نیم کره غربی هر روز بیشتر رواج می‌گیرد. این تحولات وقتی مورد تأیید و تأکید ایالات متحده قرار گرفت که رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۹۹۰ اعلام کرد که هدف آمریکا آزادسازی تجاری در نیمکره غربی است. این کوشش‌ها مورد حمایت کلینتون نیز قرار گرفته است که در دسامبر ۱۹۹۴ کنفرانس سران آمریکا را در میامی گشود. ترتیبات آزادسازی تجاری در صدر برنامه‌های او قرار دارد. یک منطقه تجارت آزاد نیم کره غربی بدون آسیا، انحراف تجارت و سرمایه‌گذاری بسیار زیادتری به دنبال خواهد داشت و سیستم تجارت جهانی را بیشتر در جهت بلوک‌های تجاری قاره‌ای سوق می‌دهد.

به نظر می‌رسد که ممالک آسیایی بیش از پیش هدف سیاست‌های بازرگانی ایالات متحده هستند و تضاد فعلی بین ایالات متحده و ژاپن و ایالات متحده و چین، نشانه‌های آن است. دیدگاه آمریکا نسبت به آسیای شرقی و در نتیجه سیاست بازرگانی آن کشور در قبال این منطقه تحت تأثیر سه نظر است:

۱- آسیا مخصوصاً منطقه در حال صنعتی شدن آن، یک منطقه دینامیک است و آمریکایی‌ها می‌توانند با آن همکاری نداشته باشد و به همین دلیل است که ایالات متحده طرفدار تشکیل منطقه همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام (APEC) می‌باشد و هر اقدامی که ایالات متحده را از همکاری در این منطقه دور نگاه دارد، مثل پیشنهاد تشکیل گروه اقتصادی شرق آسیا (East Asia Economic Cucus) مورد مخالفت آمریکاست.

۲- ژاپن یک بازار بسته است و قراردادهای تجاری ناظر به جریان تجارت، چه از طریق «گات» و چه قراردادهای دوجانبه، تاکنون در باز کردن بازارهای ژاپن بی‌نتیجه بوده است. از این‌رو، آزادسازی که در آن ژاپن و شاید تعدادی از کشورهای آسیایی شرکت داشته باشند سرانجام مفیدی برای آمریکا نخواهد داشت.

۳- آسیای در حال صنعتی شدن، منطقه بسیار مولد با هزینه نیروی کار پایین است. این طرز تلقی، خطر انتقال صنایع از آمریکا به منطقه را پیش می‌آورد که سبب مخالفت‌های مشابه با «نافتا» نیز شده بود. دیدگاه اول، همکاری آمریکا در چارچوب (APEC) یا انعقاد قرارداد آزادسازی تجارت با کشورهای مثل سنگاپور، هنگ‌کنگ، تایوان را در چارچوب «نافتا» تشویق می‌کند (کنفرانس سران APEC در ماه نوامبر آینده در بوگور Bogor تشکیل خواهد شد).

«نافتا» تبصره‌ای در مورد الحاق اعضاء جدید دارد. عضو جدید لازم نیست از نظر جغرافیایی در قاره آمریکا واقع شده باشد. بنابراین، کشورهای مثل سنگاپور و کره جنوبی می‌توانند به «نافتا» بپیوندند.

اما از نظر عملی چون عضو تازه باید با تک‌تک کشورهای عضو قبلی مذاکره کند، این کار ساده‌ای نیست. مثلاً عضو شدن مکزیک در «نافتا» تعهد تغییر

جدول (۸)

انحرافات احتمالی تجارت ناشی از تشکیل «نافتا» کالاهای منتخب صادراتی مکزیک به ایالات متحده که جای صادرات ممالک در حال توسعه را می‌گیرد.

شرح کالا	کشورهای در حال توسعه رقیب (با توجه به ارزش صادرات آنها به ایالات متحده)
سبزیجات معین، انگور منسوجات - الیاف آهن و فولاد و محصولات نیمه ساخته ورقه و نورد شده وسایل ارتباط از راه دور رادیو وسایل الکتریکی مقاوم‌های الکتریکی مدارهای بسته الکتریکی خازن‌های الکتریکی پوشاک لباس	تایلند - شیلی برزیل، مصر، تایلند، ممالک حوزه کارائیب مخصوصاً السالوادور برزیل - ونزوئلا جمهوری کره، تایوان سنگاپور - برزیل تایوان، ممالک حوزه کارائیب کاستاریکا، باربادوس، جمهوری دومینیکن تایوان، کره، ال سالوادور تایوان، کره، هنگ کنگ، سنگاپور، اندونزی، تایلند، هندوستان، بنگلادش، فیلیپین، سری لانکا، مالزی، کاستاریکا، گواتمالا، هندوراس، جامائیکا، بلنر برزیل، تایوان، کره، هنگ کنگ، اندونزی، تایلند، هندوستان، جمهوری دومینیکن کره
نوارهای مغناطیسی - نوار ضبط قطعات رادیو - رادار و هدایت از راه دور موتور برق قطعات مدار الکتریکی کابل، سیم روکش دار	سنگاپور، تایوان، کره، مالزی، تایلند کره، تایوان، سنگاپور، تایلند تایوان، هنگ کنگ، جمهوری دومینیکن تایوان، فیلیپین، تایلند

منبع: انکاد

قرارداد تجارت آزاد دیگری اخیراً بین برزیل، ونزوئلا، شیلی، کلمبیا، مکزیک و کاستاریکا به امضاء رسیده است.
به قول رئیس‌جمهور مکزیک، هدف نهایی، وحدت اقتصادی آمریکای لاتین است و بزرگترین و فعال‌ترین کشورها مکزیک می‌باشد که تا سال ۱۹۸۵ حتی عضو گات هم نبود. اثر «نافتا» بر مکزیک بسیار شدید بوده است. تجارت با کانادا در سه ماهه اول سال ۱۹۹۴ با ۳۰ درصد رشد به ۱۶۵۰ میلیون دلار و رشد تجارت با ایالات متحده ۱۷/۵ درصد بوده و میزان آن به ۳/۵۰ میلیارد دلار رسیده است.

مکزیک، بعد از چهار سال مذاکره، در ژوئن ۱۹۹۴ قراردادی با کلمبیا و ونزوئلا امضاء کرد که از اول ژانویه ۱۹۹۵ به مورد اجراء گذاشته شد. هدف قرارداد حذف تعرفه‌ها طی ۱۰ سال است. در سال ۲۰۰۵ تجارت بین این کشورها کاملاً آزاد خواهد بود و حجم آن از ۲/۴ میلیارد دلار سال ۱۹۹۳ به حدود ۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ افزایش می‌یابد. مکزیک در مقیاسی کوچکتر در ماه گذشته قراردادی با بولیوی امضاء کرد که به موجب آن طی ۱۲ سال کلیه تعرفه‌های بین دو کشور حذف می‌گردد. میزان صادرات بولیوی به مکزیک (۱۷ میلیون دلار) دو برابر خواهد شد. مکزیک در آوریل

«مرکوسور» در جنوب نیم کره غربی در جهت کاهش تعرفه‌ها گام بزرگی برداشته است. حتی قبل از انعقاد قرارداد تازه در سپتامبر ۱۹۹۴، میزان متوسط تعرفه‌ها از ۲۰ درصد به ۲ درصد طی سه سال تقلیل یافته است و این امر میزان رشد اقتصادی ممالک عضو را به شدت افزایش داده است. تجارت درون منطقه‌ای «مرکوسور» از ۴ میلیارد در سال ۱۹۹۰ به حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ خواهد رسید. اثر افزایش تجارت درون منطقه‌ای ناشی از اتحادیه تجارت آزاد کاملاً محسوس است.

در سال ۱۹۹۰ تنها ۱۵ درصد صادرات آرژانتین راهی منطقه می‌شد که در حال حاضر به ۲۸ درصد افزایش یافته است. این نسبت در مورد برزیل از ۴ درصد به ۱۳ درصد رسیده است. شرکت‌های چندملیتی با استفاده از تسهیلات ایجاد شده در «مرکوسور» سرمایه‌گذاریهای خود را منطقی‌تر و در مقیاس وسیعتری به عمل می‌آورند. مثلاً کمپانی مرسدس بنز کارخانه‌های خود در برزیل را برای تولید اتوبوس و کامیون برای کل قاره آمریکای لاتین وسعت می‌دهد و در مقابل کلیه وانت‌های خود را در آرژانتین خواهد ساخت.

قرارداد «آند» (ANDEAN PACT)

قرارداد ایجاد منطقه آزاد تجاری بین کلمبیا، اکوادور، پرو و ونزوئلا، سالها چیزی جز توهم نبود. جمعیت این منطقه ۹۸ میلیون نفر و تولید ناخالص داخلی آن ۱۷۸ میلیارد دلار است. از سال ۱۹۹۲ کشورهای عضو تعرفه‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای خود را کاهش داده‌اند و در نتیجه در سه سال گذشته حجم تجارت درون منطقه با بیش از صد درصد رشد به ۳/۷ میلیارد دلار رسیده است. حاصل قرارداد سه جانبه کلمبیا با مکزیک و ونزوئلا از این هم بیشتر خواهد بود. پرو بولیوی نیز قراردادی را امضاء کرده‌اند که فوراً صد درصد تعرفه اکثر کالاهای مبادله شده بین دو کشور را حذف می‌کند.

آمریکای مرکزی

در آمریکای مرکزی، گرچه از سال ۱۹۶۰ قرارداد ایجاد منطقه آزاد تجاری وجود داشته است ولی سدهای تجاری اخیراً در حال فروپاشی است. گواتمالا، ال سالوادور، هندوراس، نیکاراگوئه، کاستاریکا و پاناما جملگی سهمیه‌ها را بکلی برداشته‌اند و تعرفه‌ها نمی‌تواند حداکثر از ۲۰ درصد بیشتر باشد. رشد تولید ناخالص داخلی این کشورها در سال گذشته از ۴ درصد بیشتر بوده که از درصد موالید بالاتر است.

آمریکای مرکزی به دنبال پیوستن به اقتصادهای قوی‌تر اطراف خود مثل مکزیک،

۱۹۹۴ قرارداد مشابهی با کاستاریکا امضاء کرد. قراردادهای قبلی نیز اثرات خود را به بار آورده است. از سال ۱۹۹۱ که مکزیک و شیلی صدها مورد تعرفه و سهمیه مربوط به تجارت یکدیگر را حذف کردند تجارت دوجانبه از ۱۸۲ میلیون دلار به ۳۲۳ میلیون دلار افزایش یافته است.
شیلی که دارای طولانی‌ترین سابقه در تجارت آزاد در آمریکای لاتین است از سال ۱۹۷۳ و برکناری سالوادور آئنده اصلاحات اقتصادی خود را آغاز کرد. شیلی به شدت منتظر الحاق به نافتا گسترش یافته است و ایالات متحده به آن کشور قول مساعد داده است. مذاکرات در چند ماه آینده آغاز خواهد شد.

اتحادیه جنوب نیم کره غربی
(مرکوسور Mercosur)

شیلی در حال دنبال توسعه روابط خود است و تجارت آن با منطقه «مرکوسور» از سال ۱۹۹۰ با صد درصد رشد به ۳/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ خواهد رسید.
تجارت شیلی با همسایگان عضو «مرکوسور» از ۲۷ درصد مربوط به سال ۱۹۹۰ به ۴۰ درصد افزایش یافته است.

جدول (۹)

خلاصه صورت موازنه پرداختهای مکزیک (میلیون دلار)

۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۵	۱۹۸۰	۱۹۷۵	
۲۷/۱۲۱	۲۶/۸۳۸	۲۲/۷۶۵	۲۰/۵۶۶	۲۰/۶۵۵	۲۱/۹۹۳	۱۵/۵۱۱	۳/۰۰۷	صادرات
-۳۸/۱۸۴	-۳۱/۲۷۱	-۲۳/۴۱۰	-۱۸/۸۹۸	-۱۲/۲۲۲	-۱۳/۲۱۲	-۱۸/۸۹۶	-۶۲۷۸	واردات
-۱۱/۰۶۳	-۴/۴۳۳	-۶۴۵	۱/۶۶۸	۸/۴۳۳	۸/۴۵۱	-۳/۳۸۵	-۳۲۷۱	موازنه تجاری
								خدمات
-۲۰/۸۷۷	-۲۰/۸۹۶	-۱۸/۵۹۲	-۱۶/۱۱۹	-۱۴/۳۵۷	-۱۶/۲۰۲	-۱۴/۱۳۲	۴/۲۶۳	بدهکار
۱۶/۴۱۷	۱۴/۷۴۹	۱۳/۲۰۴	۱۱/۴۴۱	۹/۲۴۴	۷/۸۸۱	۶۴۸۳	۳/۳۵۲	بستانکار
۲/۰۵۵	۲/۱۶۷	۱/۹۲۲	۳۹۷	۳۸۴	۳۲۷	۲۴۵	۵۹	انتقالات خصوصی
-۱۳/۴۶۸	-۸/۴۱۳	-۴/۱۱۱	-۲/۶۱۳	۳/۷۰۴	۴۵۷	-۱۰/۷۸۹	-۴/۱۲۳	موازنه حساب جاری
استاندارد								نسبت های مهم
۳/۰	۳/۵	۲/۹	۳/۰	۹/۵	۴/۷	۲/۳	۲/۸	نسبت ذخیره (۱)
۲۰/۰	۲۷/۷	۳۴/۶	۴۲/۱	۳۰/۳	۵۰/۲	۴۳/۵	۳۹/۱	نسبت بازپرداخت (۲)
-	۳۰/۹	۳۹/۱	۴۹/۷	۶۴/۵	۵۳/۲	۲۳/۱	۱۹/۱	نسبت بدهی / تولید (۳)
								ناخالص داخلی

منبع:

UNCTAD, «Handbook of International Trade and Development Statistics», 1992

- ۱- تعداد ماه واردات دارای پوشش ارزی
- ۲- بازپرداخت اصل و فرع وام‌ها به صادرات کالاها و خدمات (درصد)
- ۳- بدهی خارجی به صورت درصد تولید ناخالص ملی

نسبی مسلماً منافع ممالک آسیا - اقیانوس آرام را در درازمدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. گرچه این منطقه گرائی تضادی با توافق نامه نهائی دوراروگونه ندارد، و غیر از هم جهت بودن با آن، از آن فراتر می‌رود، ولی برای همه ممالک آسیائی که هدف غیر مستقیم آن هستند مخصوصاً برای ژاپن درسهائی دارد. این درسها مربوط به ضرورت انجام اقدامات مشابه در آسیا است. همگامی ژاپن با ایالات متحده تاکنون مانع از آن شده است که آن کشور نقش پیشگامی مشابه ایالات متحده در منطقه به عهده گیرد.

با نبودن تمایل سیاسی در ژاپن برای اقدام در جهت ایجاد منطقه آزاد تجاری در آسیا (مخصوصاً شرق آسیا) و وظیفه دولتهای آسیائی است که در جهت ایجاد اتحادیه‌های تجاری و اقتصادی در مقیاس کوچکتر و منطقه‌ای گام بردارند، مخصوصاً اینکه ایالات متحده به دنبال اجرای تری ایجاد یک منطقه آزاد تجاری - اقتصادی با شرکت اسرائیل، فلسطین، اردن، سوریه، مصر، لبنان، به مرکزیت و رهبری اسرائیل در غرب آسیا و خاورمیانه می‌باشد.

زیرنویس

۱. اصطلاح آسیا و اقیانوس آرام (Asia Pacific) شامل (۱) کشورهای تازه صنعتی شده (NIES) سنگاپور هنگ کنگ، جمهوری کره و تایوان و (۲) و چهار کشور آسن (ASEAN) یعنی تایلند، مالزی، فیلیپین و اندونزی و (۳) جنوب آسیا شامل هندوستان، پاکستان، بنگلادش و سریلانکا و (۴) چین و (۵) کشورهای پیشرفته یعنی ژاپن، استرالیا و زلاندنو می‌باشد.

همین امر در مورد نقل و انتقال سرمایه گذارهای بین المللی به سوی مکزیک صادق است. به نظر می‌رسد که برنده نهائی تشکیل «نافتا» مکزیک باشد که از این پس رشد اقتصادی مطمئن تری با توجه به حجم سرمایه گذارهای تازه و بازار آماده خواهد داشت.

اقدام آمریکا برای جذب مکزیک به اقتصاد خود و کانادا، قبل از هر چیز یک اقدام سیاسی بوده است. مردم مکزیک قسمت جنوبی ایالات متحده را جزئی از سرزمین خود می‌دانند (این سرزمین‌ها از کالیفرنیا تا فلوریدا شامل تگزاس طی جنگ‌های ۱۸۱۲ ایالات متحده - اسپانیا به تصرف ایالات متحده درآمد و هنوز بیشتر اسمهای شهرها اسپانیولی است) و آزادانه به آن مناطق رفت‌وآمد می‌نمایند (حدود ۷ میلیون نفر مکزیک‌یی بطور قاچاقی ساکن ایالات متحده هستند). مسئله هجوم مردم مکزیک به ایالات متحده در جستجوی کار و درآمد (و هجوم سایر مردم آمریکای لاتین به ایالات متحده از طریق مکزیک) و مشکل افزایش جمعیت مکزیک با رشدی چهار برابر رشد جمعیت در ایالات متحده، رهبران سیاسی این کشور را به فکر حفظ جمعیت مکزیک در خاک خود با ایجاد کار و درآمد برای آنها و استقرار و ثبات حکومت دموکراتیک در آن کشور انداخت. این انگیزه‌های سیاسی توأم با هدف‌های اقتصادی مرتبط با برتری‌های نسبی مکزیک، انعقاد قرارداد «نافتا» را ممکن ساخت که مسلماً سایر کشورهای آمریکای لاتین را نیز تدریجاً در بر خواهد گرفت.

این منطقه گرائی در ممالک نیمکره غربی، بطور

کلمبیا و ونزوئلا است. کل تولید ناخالص داخلی منطقه فقط ۳۵ میلیارد دلار است.

نتیجه گیری:

ایالات متحده و کانادا بطور متوسط بین ۲۵ تا ۳۰ درصد صادرات آسیا و اقیانوس آرام را جذب می‌کنند (جدول ۵) و بیش از ۹۰ درصد این صادرات به ایالات متحده است. ایالات متحده در سال ۱۹۹۲ جمعاً ۱۱۹۲۱۷ میلیون دلار از آسیا و اقیانوس آرام واردات داشته است (جدول ۴) که تقریباً یک نهم کل واردات آن کشور می‌باشد. بیشتر این واردات از ممالک صنعتی آسیا و چهار کشور تازه صنعتی شده و در مراحل بعد، از چهار کشور عضو «آسن» است. سهم آسیای جنوبی (هند و پاکستان، سریلانکا و بنگلادش) جمعاً کمتر از چهار درصد کل (صادرات چهار کشور به ایالات متحده در سال ۱۹۹۰ برابر ۴/۳ میلیارد دلار بود (جدول ۶-الف) و سهم ممالک غرب آسیا از واردات ایالات متحده کمتر از ۱ درصد می‌باشد.

وابستگی ایالات متحده به کالاهای آسیائی مخصوصاً در مورد کالاهای نساجی (۶۹ درصد) و محصولات الکتریکی و الکترونیکی (۶۶ درصد) و کالاهای متفرقه صنعتی (۶۵ درصد) بسیار شدید است (جدول ۷). با توجه به ارقام بالا و ترکیب صادرات آسیا - اقیانوس آرام به ایالات متحده، تشکیل «نافتا» با عضویت برزیل در وضع رقابتی ممالک در حال توسعه آسیا در بازار ایالات متحده در مورد بسیاری از کالاها (جدول ۸) مؤثر خواهد بود و